

مسجد شیخ لطف الله مانند مساجد دیگر صحن و مناره ندارد، و به منزله یک شبستان گنبددار است که به وسیله رواقی مجلل به میدان نقش جهان اتصال می‌یابد. کاشیکاری داخلی و خارج گنبد آن، از نفیس ترین نوع کاشیکاری معرق است. اختلاف رنگ آمیزی کاشیهای آن با سایر کاشیهای مساجد از جمله مسجد شاه، از جهت زمینه رنگ است که در سایر مساجد معمولاً به رنگ آبی تجلی دارد، ولی در این مسجد پادشاهی به رنگ نخودی است و دیگر، از جهت نفاست طرح و تالگو رنگهای کاشیهاست. بدون شک، گنبد این مسجد زیباترین گنبدی است که در سراسر کشور اسلامی ایران بنا شده و لذا می‌توان گفت زیباترین گنبدی است که در مساجد دنیا برپا گردیده است. نایقه‌ای که این شاهکار هنری را به وجود آورده، استاد محمدرضا اصفهانی است که نام او در دو لوحه کاشی معرق در داخل محراب این مسجد به قرار ذیل جاویدان شده است: «عمل فقیر محتاج به رحمت خدا محمدرضا بن استاد حسین پناه اصفهانی ۱۱۰۲۸هـ».

وجه تسمیه مسجد شیخ لطف الله

شیخ لطف الله بن عبدالکریم بن ابراهیم اصلاً از مردم میس از فرای جبل عامل بود. خاندان او همه از فقهای امامیه بودند، چنانکه پدر، جد، جد اعلا و پسرش همه به این عنوان اشتہار داشته‌اند. به مناسبت سعی بی‌اندازه پادشاهان صفوی در ترویج احکام مذهب تشیع و تشویق و اکرام فقهای آن، شیخ لطف الله میسی عاملی نیز مانند جمع کثیر دیگری از علمای بحرین و جبل عامل در اوایل عمر از موطن خود به قصد ایران عزیمت و ابتدا در مشهد مقدس مقیم شد. وی در آنجا پس از استفاضه از محضر علمای ارض اقدس از جمله ملا عبدالله شوشتری، از جانب شاه عباس بزرگ به خدمت آستانه رضوی برقرار شد، و تا تاریخ فتنه ازبکان و دست اندازی ایشان بر مشهد در آن شهر مقیم بود، و سپس از سرایشان به قزوین پناه جست، و در آنجا به کار تدریس مشغول شد. شاه عباس او را از قزوین به اصفهان آورد، و در سال ۱۰۱۱هـ. ق در جنب میدان نقش جهان مدرسه و مسجدی را که هنوز هم به نام او شهرت دارد، برای محل تدریس و اقامت او پی‌نهاد. انجام این کار تا ۱۰۲۸هـ. ق طول کشید. در حین اتمام همین ساختمان بود که شاه عباس در قسمت جنوبی میدان شاه، طرح انشای مسجد جامع عباسی (مسجد شاه) را ریخت.

بعد از آنکه مدرسه و مسجد شیخ لطف الله برای تدریس و نمازگزاران شیخ مهیا شد، این مرد جلیل محترم در آن مدرسه مقیم و در آن مسجد و مدرسه به امامت و تدریس مشغول گردید. شیخ برای وجه معاش او وظیفه‌ای معین و مقرر داشت. شیخ در برخی مسائل قدیمی و فتاوی شرعی بعضی آرا و عقاید خاص داشت. به گفته مؤلف ریاض العلماء، با علمای هم عصر خویش درباره پاره‌ای از این مسائل به غیر حق مناقشه

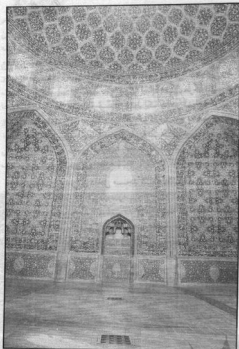
گوهر تابناک

معماری دوران صفویه*

لطف الله هنر فر

مقدمه

یکی از زیباترین آثار تاریخی اصفهان که هر تماشا کننده‌ای را خیره می‌کند و نسبت به هنرمندانی که در انجام آن دخیل بوده‌اند به اظهار تحسین و اعجاب وامی‌دارد، مسجد شیخ لطف الله است، که در ضلع شرقی میدان نقش جهان و در مقابل قصر سلطنتی عالی قاپو واقع شده، و به واسطه کاشیکاریهای معرق داخلی و خارج گنبد و کتیبه‌های عالی که نیمی از آنها به خط علی رضا عباسی است، از زیبایی و ظرافت کمتر نظیر دارد. این مسجد که شاهکاری از معماری و کاشیکاری ایران در نیمه اول قرن ۱۱هـ. ق است، به فرمان شاه عباس اول ساختمان آن شروع شد. سردر زیبای آن در سال ۱۰۱۲هـ. ق به پایان رسید، و سال اتمام ساختمان و تزیینات کاشیکاری آن ۱۰۲۸هـ. ق است. کتیبه زیبای ثلث سردر تاریخی آن به قلم علی رضا عباسی، بدین قرار است: «امر بانشاء هذا المسجد المبارك السلطان الاعظم والخاقان الاکرم محیی مراسم آباءه الطاهرين مروج المذهب الائمة المعصومين ابوالمظفر عباسی الحسينی الموسوی الصفوی بهادرخان خلدالله تعالی ملکه واجری فی بحارالتأیید فلکه بمحمد و آله الطیبین الطاهرين المعصومین صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین کتبتها علی رضا العباسی ۱۰۱۲هـ».



می کرد، از آن جمله اقامه نماز جمعه را در غیاب امام زمان واجب می شمرد و شخصاً در مسجد خود هر روز جمعه به این عمل ادامه می داد، و مقلدان او از وی تبعیت می کردند. تألیفات شیخ بیشتر منحصر به حواشی و تعلیقاتی است که او بر کتابهای فقهی علمای قبل از خود نوشته، و رساله هایی که بر رد فتاوی دینی معاصران به رشته نگارش درآورده است. شیخ لطف الله از علوم ادبی نیز بی نصیب نبوده و گاهگاهی هم به سرودن شعر طبع آزمایی می کرد.

تاریخ وفات شیخ لطف الله را مؤلف کتاب مجمل التواریخ در سال ۱۰۳۲ هـ. ق یعنی در همان سالی که بغداد به تصرف شاه عباس درآمده است، می نویسد. همچنین مؤلف در عالم آرای عباسی تاریخ درگذشت او را در ذیل وقایع سال ۱۰۳۲ هـ. ق می آورد، و صریحاً می گوید: «شیخ لطف الله میسر عرب جبل عامل در اوایل این سال قبل از سفر دارالسلام بغداد که هنوز آیات جلال در بیلاقات فیروز کوه بود، در اصفهان مریض شده به عالم بقا پیوست».

مؤلف عالم آرا در ذکر تاریخ فوت شیخ لطف الله گوید: «حین تحریر تاریخ وفاتش چنین به خاطر رسید: شیخ لطف الله رفت از دار دهر

رخت بریست از جهان بيمدار

عزم عقیبی کرد از دنیای دون

شد جنانش مامن و دارالقرار

سال تاریخش همی جسم زلف

گفت با من نکته ای آن پیرکار

چون دو «لا» از نام او ساقط کنی

سال تاریخ وفاتش زان شمار»

عبارت مهر او جمله: «فتنی به لطف الله بغیتی» بوده است.

علی رضا عباسی خطاط اول مسجد

۲ کتیبه کمربندی داخل مسجد شیخ لطف الله که در قسمت پایین کتیبه به خط ثلث سفید بر زمینه کاشی لاجوردی محرق جلب توجه می کند، به قلم علیرضا عباسی است که از مشهورترین ثلث نویسان دوران سلطنت شاه عباس اول به شمار می رفت. در انتهای کتیبه اول که شرح آداب ورود به مسجد از قول پیغمبر اسلام (ص) است، در انتهای کتیبه نام علی رضا چنین آمده است: «کتبها علی رضا العباسی فی ۱۰۲۵هـ، و در انتهای کتیبه دوم که مشتمل بر تمام آیات سوره جمعه و سوره نصر می باشد، نوشته شده است: «کتبها علی رضا العباسی غفرالله ذنوبه».

علی رضا تبریزی از خوشنویسان بزرگ زمان شاه عباس اول است که چون به خدمت شاه عباس درآمد، خود را علی رضا عباسی خواند. این خوشنویس استاد، نخست در تبریز شاگرد ملامحمدحسین تبریزی و علاء الدین محمد تبریزی معروف به علاء بیک بود، و خط ثلث و نسخ را نیز می نوشت. پس از آنکه

در زمان شاه محمد خدابنده، پدر شاه عباس، ترکان عثمانی آن شهر را به تصرف آوردند، علی رضا عباسی از آنجا بیرون آمد و به قزوین، پایتخت دولت صفوی، رفت، و در مسجد جامع آن شهر منزل گرفت، و به کار کتابت مشغول شد، و قسمتی از کتیبه های آن مسجد را با چند قرآن در آنجا تمام کرد. ولی از آنجا که او می خواست در خط نسخ تعلیق نیز استاد شود، به مشق این خط همت گماشت و در اندک زمان به زور وقوت ام الخطوط که عبارت از ثلث است خوشنویس شد، و خط را به مرتبه ای بلند رسانید، و در ۷ خط بزرگ در خطوط ثلث، وقاع و نستعلیق استاد کم نظیری شد.

علی رضا عباسی روز پنجمین اول شوال سال ۱۰۰۱ هـ. ق به خدمت شاه عباس درآمد، و در زمره ندیمان مخصوص وی داخل شد. شاه جمعی از خوشنویسان مانند محمدرضا امامی، محمدصالح اصفهانی و عبدالباقی تبریزی را بدو سپرد تا زبردست او خط ثلث را بیاموزند. علی رضا عباسی تا پایان عمر در زمره مقربان و ندیمان مخصوص شاه بود، و در سفر و حضر در سلک مقربان شرف اختصاص داشت، و به تفقدات و انعامها نوازشها سراسر از و مفتخر بود، و به لقب «شاهنواز» ملقب شد. محبت و علاقه شاه عباس به این مرد هنرمند، بدان پایه بود که گاه پهلوی او می نشست و شمع به دست می گرفت تا

اقامت گزید و مسجد سلطنتی به نام وی درآمد و شیخ بهائی که او نیز از دانشمندان و فقهای بنام دوره شاه عباس است، ضمن اشعاری به زبان عربی در کتیبه های مسجد شیخ لطف الله ذکر شده است. در کتیبه های ضلع غربی و شرقی داخل مسجد، به عطف ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه لاجوردی اشعاری در منقبت ائمه اطهار (ع) که ظاهراً سراینده آنها هم خود شیخ بهائی است، نقش بسته و در چند شعر آخر آن به شرح زیر نام شیخ بهائی ذکر شده است:

بهاک المذنب المستهام

غریق بحار الخطا یا العظام

واعتقه یا رب یوم الورد

علیک من النار داب الودود

و یسر له کل امر عسیر

فانت علی کل شیء قدیر

باربعة و عشرة اعتضادی

وهم شفعاى فی الیوم العیوس

بطیبة و الغری و کربلا

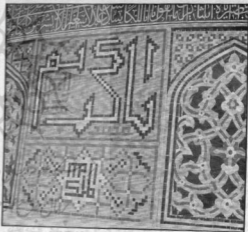
وسامرا و بغداد و طوس

نام شیخ لطف الله در آخر کتیبه اشعاری روبروی آن، در یک

علی رضا عباسی در روشنائی آن کتبات کند. الواسی که بر ضریح و صندوق حضرت رضا (ع) نصب شده، به خط علی رضا عباسی و کار استاد مست علی زرگر است. سال مرگ علی رضا عباسی به درستی معلوم نیست. فقط یک جا در شرح احوال او نوشته شده است که در ۱۲۵ سالگی درگذشت، و به همین سبب به شیخ الخطاطین ملقب شد؛ ولی این امر مسلم نیست.

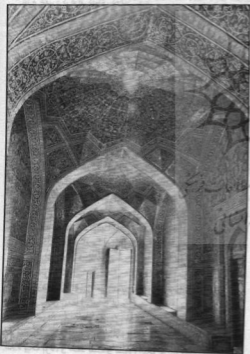
باقربنا خطاط دوم مسجد

کتیبه های عمودی داخل مسجد شیخ لطف الله که ۴ گوشه داخل مسجد و اطراف محراب و ۴ ضلع شرقی و غربی و شمالی آن را به خط ثلث سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی زینت می بخشد، به قلم باقربناست. البته، مردم کمتر با نام او آشنایی دارند، در حالی که خطاطی است چیره دست که در روزگار خود در این فن از استادان بزرگ به شمار می رفت. بی جهت نیست که رقیبی مانند علی رضا عباسی که در نزد شاه عباس مقام و منزلتی بسزا داشته، با کار خوشنویسی او در این مسجد سلطنتی موافقت کرده است. امضای باقربنا در انتهای کتیبه های جانب شرقی و غربی مسجد با عبارت: «کتبها

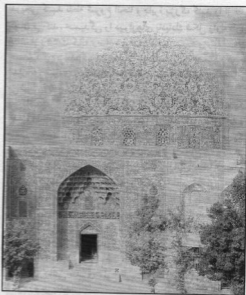


باقربنا»، و در انتهای اشعاری به زبان عربی در منقبت ائمه اطهار (ع) به خط ثلث در ضلع شمالی و جنوبی داخل مسجد، به قرار ذیل است: «و یا باقر البناء کاتب هذه الحروف و قاه الباری العشرات». ۳.

نام شیخ لطف الله و شیخ بهائی در کتیبه های مسجد
نام شیخ لطف الله که در اصفهان، پایتخت شاه عباس،



ساختن این بنا که به سختی می توان آن را محصول دست بشر دانست، زیبایی میدان را به کمال رساند. در ساختمان این مسجد، باردیگر استادی و مهارت هنرمندان ایرانی یک مسئله مشکل را حل کرده است؛ بدین معنا که چون مسجد در ضلع شرقی میدان واقع است و خواه ناخواه در ورودی مسجد در سمت مشرق قرار دارد، اگر بنا بود مسجد را نیز به همین جهت می ساختند، کار جهت یابی از لحاظ قبله مختل می شد. در اینجا با ایجاد یک راهرو که از ابتدای مدخل مسجد به سمت چپ و سپس به سمت راست می چرخد، بر این مشکل فایده آمده اند؛ یعنی اگر چه ساختمان مسجد در مشرق است و از نمای خارجی آن چنین برمی آید که دیوار جبهه آن در جهت شمال به جنوب



شعر به قرار زیر نقش بر کاشی شده است:

«انلنی انلنی بغیتی بولانهم

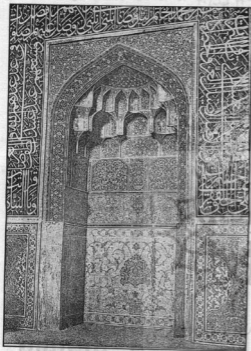
و وصل علیهم افضل الصلوات

و شفعمهم فی عبد عبد عیبدهم

عیندک لطف الله فی العرصات»^۴

ارزش جهانی هنر معماری و تزییناتی این مسجد

مسجد شیخ لطف الله از نظر مورخان، مستشرقان و باستان شناسان جهان، یکی از مظاهر زیبای تمدن و فرهنگ کهنسال ایران است. عموم کسانی که توفیق دیدار این مسجد را داشته اند، به اعجاب و تحسین با آن برخورد کرده اند از جمله پروفیسور ارتور اِبهام پوپ، ایران شناس و مستشرق معروف آمریکایی معاصر، دریارهٔ این مسجد در کتاب مشهور خود، بررسی هنر ایران، چنین می نویسد: «مسجدی که در مشرق میدان شاه و مقابل ساختمان عالی قاپو قرار دارد، یکی از شاهکارهای بی نظیر معماری است که در سراسر آسیا خودنمایی می کند. این مسجد زبیا که همچون جواهری درخشان در تاریخ معماری ایرانیان می درخشد، شیخ لطف الله نام دارد. شاه عباس بزرگ این مسجد را به افتخار پدرزن خود شیخ لطف الله که یکی از پیشوایان عالی قدر آن زمان بود، بر روی خرابه های که از بقایای مسجد قدیمی به جای مانده بود، بنا کرد. در حقیقت میدان بزرگی که قصر باشکوه عالی قاپو در یک طرف آن قرار داشت، به چنین گوهری گرانبهادر برابر خود احتیاج داشت. و شاید همین نکته شاه عباس را بر آن داشت تا با



است، لکن در همین دیوار محراب بنا شده که به سوی قبله است. وقتی به عظمت این فکر پی می بریم، که در بیرون مسجد اثری از کژی و زاویه به چشم نمی خورد، اما به مجرد ورود ناچاریم قبول کنیم که صحن نسبت به نمای خارجی پیشگی دارد، در صورتی که گنبد کوتاه این مسجد به علت مدور بودن، جهت یا زاویه مخالفی را نشان نمی دهد. این گنبد از زیباترین گنبدهای اصفهان است که از طرفی به خاطر عظمت و از طرف دیگر بر اثر تزییناتی که از زمینهٔ نخودی رنگ

در این بنا، در کنار کاشی‌های سفید، کاشی‌های سبز، آبی، قرمز، زرد، سیاه و سفید نیز به کار رفته است. کاشی‌های سبز، آبی، قرمز و زرد، در کنار کاشی‌های سفید، به کار رفته است.

(Cafe au lait) با نقش و نگارهایی به رنگ آبی سیر تشکیل می‌شود، نظر بر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند.

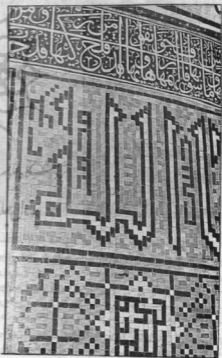
گنبد مسجد شیخ لطف الله یکی از چند گنبد یک پوشی زمان صفویه است که با ارتفاع کم، پوشش مناسبی برای صحن کوچک آن به شمار می‌رود. از طرفی، بلندی آن تا آن اندازه است که بتواند در کنار میدان بزرگ خودنمایی کند، ویر آن فضا مسلط باشد. خمیدگی گنبد از نقطه نظر برآمدگی بزرگ، ناگهان به سمت داخل گراییده و رأس گنبد را تشکیل داده است، و این فشار زیاد را دیوارهای قطور مسجد که حدود ۷۰ سانتیمتر است - تحمل می‌کند. دیوارهای داخلی از یک هشت ضلعی شروع می‌شود. این هشت ضلعی‌ها هر یک به وسیله کاشیهای طناب مانند فیروزه‌ای محصور شده و خطوط بسیار زیبایی که از آثار علی رضا عباسی است، مانند قابی هر یک از اضلاع هشت گانه را در میان می‌گیرد. این خطوط از کاشیهایی به رنگ سفید خیره کننده در میان کاشیهای آبی تیره به کار رفته است، و زاویه‌هایی که از این هشت ضلع بوجود می‌آید، پایه خمیدگی بزرگ را تشکیل می‌دهند، لکن انحنا

تدریجی گنبد نقطه شروع انحنا و دایره بزرگ گنبد را از نظر پنهان می‌کند. خمیدگی را دیوارهای بادبادک شکل زاویه داری به اضلاع هشت گانه وصل می‌کند. قسمت بعدی، به سمت خمیدگی بزرگ گرایش دارد. سرتاسر این خمیدگی به اندازه‌ای عسادی و یکنواخت است، که به ندرت احساس می‌شود یا به چشم می‌آید.

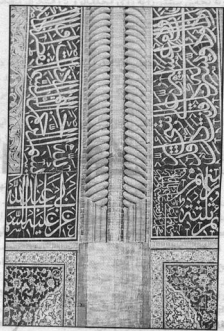
کاشیکاری پوشش داخلی گنبد از ابتدا تا انتها تقریباً به یک اندازه است، و تزئین گنبد را تشکیل می‌دهد. دیوارهای جانبی صحن مسجد با گل و بوته‌های متصل به هم به رنگ آبی در یک متن نخودی رنگ تزئین شده است. زاویه‌های فرسوانی دیوارهای جانبی از گل و بوته‌هایی که طرح آن با سایر قسمت‌ها تفاوت کلی دارد پوشیده شده، و تنوع خاصی به تزئین کلی صحن بخشیده است. زیبایی کاشیکاری این مسجد اعم از کاشیهای معرق با کاشیهای هفت رنگ، در نوع خود بی نظیر است. اصولاً، شروع دیوارهای صحن با کاشی هفت رنگی و تبدیل آن به کاشیهای معرق، خود تنوعی است دلپذیر. کاشی معرق ظریف‌ترین نوع کاشی و متعلق به قرن ۱۷م است، در حقیقت کاشی معرق، نوع ظریفی از کاشی هفت رنگ قرن ۱۶ و ۱۵م باشد.

تزئینات سطح داخلی گنبد عبارت است از ستاره‌های بسیار بزرگ مکرر به رنگ زرد طلایی که با طرح درمی از پیچکهای به هم پیچیده، پوشیده شده است، طرح و ترسیم این مسجد و نقشه‌های آردیلی منبع الهام مشترکی دارند، ضمناً تزئینات این مسجد، شباهت بسیار نزدیکی با مسجد شاه دارد. کاشیکاری بقیه گنبد از طاق رومیهای تشکیل شده، که هر یک شامل گل و بوته‌های زیبایی است این گل و بوته‌ها در پارچه‌بافی هم به کار رفته است، و هم اکنون نمونه‌هایی از آن وجود دارد. روشنایی داخل این مسجد نیز قابل توجه است، چنانکه در اطراف گنبد به فواصل منظم سوراخهایی در قطر گنبد تعبیه شده که به وسیله پنجره‌های گچبری شده از داخل و خارج مسدود می‌شوند. این گچ بره‌ها طرح‌های منظمی اند که به نسبت مساوی، فضای خالی در میان آنها وجود دارد. مجموع نورهایی که از این پنجره‌ها به داخل می‌تابد، زیبایی آسمانی و خیال‌پروری به تزئینات کلی صحن می‌بخشد. کوچکترین نقطه ضلعی در این بنا دیده نمی‌شود. اندازه‌ها بسیار مناسب، نقشه طرح بسیار قوی و زیبا، و به طور خلاصه توافقی است بین یک دنیا شور و هیجان و یک سکوت و آرامش با شکوه، که نماینده ذوق سرشار زیباییشناسی است و منبعی جز ایمان مذهبی و الهام آسمانی نمی‌تواند داشته باشد.

کعبه‌های زیبایی که علی رضا عباسی بر داخل و خارج این مسجد نگاشته، زیباترین خط زمانش است. نایبه‌ای که این همه شکوه، جلال، زیبایی و هنر را به این مسجد بخشیده، کسی است که سمت راست و چپ محراب را امضا کرده، و خود



ادامه از صفحه ۵۹



- ۳۶. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۸۸
- ۳۷. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۲۵
- ۳۸. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۹۰
- ۳۹. بقره/ ۲۵
- ۴۰. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۶۳
- ۴۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۵۶
- ۴۲. همان، ج ۳، ص ۲۶۹
- ۴۳. نور/ ۳۷
- ۴۴. کهف/ ۳۰
- ۴۵. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۲۱۱
- ۴۶. همان، ج ۸۱، ص ۲۶۱-۲۲۸
- ۴۷. همان، ج ۶۷، ص ۲۲۸
- ۴۸. عنکبوت/ ۲۵
- ۴۹. شعراء/ ۸۹
- ۵۰. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۵۲؛ تفسیر القم، ص ۲۷۳
- ۵۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۱
- ۵۲. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۲۲۲
- ۵۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۴
- ۵۴. نور/ ۳۶
- ۵۵. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۰۷... واجبر من عملوها من غیر ان یتنفس من أجورهم شیء
- ۵۶. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲
- ۵۷. کهف/ ۳۶
- ۵۸. حج/ ۲۶
- ۵۹. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۲۸

را: «فقیر حقیر محتاج به رحمت خدا محمدرضا بن استاد حسین بنا اصفهانی معرفی نموده است و بعد از نام او تاریخ ۱۰۲۸ هـ. ق/ ۱۶۱۸ م دیده می شود.

نظرویل دورانت درباره مسجد

ویل دورانت، مورخ مشهور معاصر، درباره مسجد شیخ لطف الله چنین اظهار نظر کرده است: «بیش از همه، داخل مسجد دارای زیبایی شگفت انگیزی است و شامل نقوش اسلیمی، اشکال هندسی و چنبره های با طرح کامل و یک شکل است. در اینجا هنر مجرد Abstract را می بینیم، ولی با منطق و سبک و اهمیتی که هرج و مرج مبهوت کننده ای را به عقل عرضه نمی کند، بلکه نظامی قابل فهم و آرازش فکری را می رساند.»^۵

پانوشتها:

- ۱. هنر و مردم، شماره ۱۸۳، دی ۱۳۵۶، صص ۳-۱۲
- ۲. مجله یادگار، شماره اول، سال اول، صص ۵۸ و ۹۵
- ۳. فلسفی، نصرالله، زندگانی شاه عباس اول، ج ۲، ص ۵۰
- ۴. هنر فر، لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۱۵
- ۵. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۱۵
- ۶. دورانت، ویل، آغاز عصر خرد، ص ۵۴۲